

ابویعلی؛ محمد بن محمد بن ابی‌یعلی، ملقب به عمادالدین (شعبان ۴۹۴ - ۵ جمادی الاول ۵۶۰ / ژوئن ۱۱۰۱ - ۲۰ مارس ۱۱۶۵)، قاضی و فقیه حنبلی. وی در بغداد در خانواده‌ای اهل علم به دنیا آمد. پدرش ابو‌خازم محمد (د ۵۲۷ ق/ ۱۱۳۳ م) در فقه و اصول تبحر داشت و دارای تألیفاتی بود (صفدی، ۱۶۰/۱). نیایش ابویعلی، محمد بن حسین (ه) و عمویش ابوالحسین ابن ابی‌یعلی (ه) نیز از عالمان و مؤلفان مشهور به شمار می‌رفتند.

وی از اوایل جوانی به کسب علم پرداخت و فقه را نزد پدر و عمویش فرا گرفت. همچنین جز پدر و عمویش، از کسانی چون ابوالبرکات عاقولی، ابوالقائم نرسی و ابوالحسن ابن علاف حدیث شنید و از حریری صاحب مقامات اجازه دریافت کرد (ابن جوزی، ۲۱۳/۱۰؛ ذهبی، المختصر، ۶۴، سیر، ۳۵۳/۲۰؛ ابن رجب، ۲۴۴/۱ - ۲۴۵). وی از همان جوانی به تدریس و افتا پرداخت و در فقه، به ویژه خلاف و مناظره تبحر یافت (همو، ۲۴۵/۱؛ برای برخی از آراء فقهی وی، نک: همو، ۲۴۸/۱ - ۲۵۰). از جمله شاگردان و روایت‌کنندگان از وی، ابوالبقاء عکبری، ابوالعباس قطیعی، ابواسحاق صقال، یحیی بن ربیع، ابوالفتح مندائی و ابن اخضر را می‌توان نام برد (نک: ذهبی، المختصر، همانجا؛ ابن رجب، ۲۴۶/۱ - ۲۴۷). وی چندی پیش از ۵۳۳ ق به تدریس در جامع قصر پرداخت و پس از آنکه ابوالمعالی ابن نبل در ریان (از محلات بغداد) مدرسه‌ای برای حنبلیان بنا نمود، سرپرستی آن را به قاضی ابویعلی سپرد (همو، ۲۴۵/۱). در ۵۳۳ ق به قضاء باب ارج بغداد رسید و در ۵۳۷ ق جهت تصدی منصب قضا به واسط رفت، اما پس از مدتی توسط قاضی القضاة ابوالحسن ابن دامغانی عزل شد. ابویعلی بدون اعتنا به این حکم به کارش ادامه داد، لکن بر جان خویش ترسید و توسط ابن ابی‌الخیر از خلیفه امان گرفت (ابن جوزی، ابن رجب، همانجا).

ابویعلی پس از ۱۱ سال به بغداد بازگشت و در حالی که بینایی خود را از دست داده بود، خانه‌نشین شد (همانجا). وی علاوه بر فقه و حدیث از فن خطابه نیز بی‌بهره نبود و نثری شیوا داشت (ابن رجب، همانجا؛ برای نمونه‌ای از نثر وی، نک: همو، ۲۴۵/۱ - ۲۴۶). گفته شده که ابن جوزی مدایحی در وصف او سروده است (همانجا؛ علیی، ۳۳۰/۲).

ابویعلی دارای آثاری نیز بوده که از آن میان تنها بخشی از التعلیق الکبیر فی المسائل الخلافیة بین الاثمة به صورت خطی در دست است (نک: الفهرس، ۲۳۲). دیگر تألیفات او اینهاست: شرح المذهب؛ المفردات؛ النکت والاشارات فی المسائل المفردات (ابن رجب، همانجا).

ماخذ: ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی، المنتظم، حیدرآباد دکن، ۱۲۵۸ ق؛ ابن رجب، عبدالرحمن بن احمد، اللیل علی طبقات الحنابلة، به کوشش محمد حامد قس، قاهره، ۱۳۷۲ ق/ ۱۹۵۲ م؛ ذهبی، محمد بن احمد، سیر اعلام النبلاء، به کوشش شعیب ارنؤوط و محمد نعیم عرتوسی، بیروت، ۱۴۰۵ ق/ ۱۹۸۵ م؛ همو، المختصر المحتاج الیه من تاریخ ابن‌الدبی، بیروت، ۱۴۰۵ ق/ ۱۹۸۵ م؛ صفدی، خلیل بن ابیک، الوافی بالوفیات،

به کوشش هلموت ریتز، بیروت، ۱۳۸۱ ق/ ۱۹۶۲ م؛ علیی، عبدالرحمن بن محمد، المنهج الاحمد، به کوشش محمد مجیی الدین عبدالحمید و عادل نویهض، بیروت، ۱۴۰۴ ق/ ۱۹۸۴ م؛ الفهرس التمهیدی، قاهره، ۱۹۴۸ م.

مریم صادقی

ابویعلی جعفری، محمد بن حسن بن حمزه (د ۴۶۳ ق/ ۱۰۷۱ م)، فقیه و متکلم امامی بغداد. وی به سبب انتساب به جعفر بن ابی طالب (ع)، به جعفری و گاه طالبی شهرت یافته است (خلوانی، ۹۸؛ ابوطالب، ۱۸۵-۱۸۶). علاوه بر منابع رجالی امامیه از قبیل رجال نجاشی (معاصر وی) و معالم العلماء ابن شهر آشوب، منابع اهل سنت نیز از وی نام برده و شرح حالی از او به دست داده‌اند. با اینهمه، دانسته‌های ما دربارهٔ ابویعلی بسیار نیست. ذهبی که در سیر به شرح احوال او پرداخته است، با اینکه به تاریخ الشیعة ابن ابی طی دسترس داشته، باز نام ابویعلی را یک جا به اشتباه ضبط کرده است (نک: ۱۴۱/۱۸، قس: ۲۹۷/۱۸). همین اشتباه به لسان المیزان ابن حجر (نک: ۳۶۰/۲، قس: ۱۳۵/۵) و منابع متأخرتر نیز راه یافته است (نک: افندی، ۵۳۳/۵).

از آنجا که ابویعلی هنگام درگذشت شیخ مفید (۴۱۳ ق) شایستگی جانشینی او را داشته (نک: سطور بعد)، و با توجه به تاریخ وفات ابویعلی، می‌توان تولد وی را در دههٔ ۹ سدهٔ ۴ ق تخمین زد.

در مورد تحصیلات ابویعلی همین قدر می‌دانیم که وی شاگرد شیخ مفید و سید مرتضی و ظاهراً حسین بن عیبدالله غضائری بوده و در فقه، اصول و کلام تبحر داشته و از علم قرائت نیز آگاه بوده است (نجاشی، ۴۰۴؛ ابوالبقاء، ۶۴/۱؛ ابوطالب، ۱۸۵؛ ذهبی، ۱۴۷/۱۸؛ افندی، ۱۳۴/۲). شهرت او در دانش و به ویژه فقاقت چندان بوده که حتی شرح حال‌نویسان غیرشیعی، نظیر ابن اثیر (۶۸۱-۶۹۰)، ذهبی و ابن حجر (همانجاها) از او با عباراتی چون: «فقیه الامامیه»، «من دعاة الشیعة» و «من کبار علماء الشیعة» یاد کرده‌اند.

ابویعلی با دختر شیخ مفید ازدواج کرد و پس از مرگ شیخ، جانشینی او و تصدی درس کلام و فقه، به وی منزلت اجتماعی ممتازی بخشید، به گونه‌ای که از نقاط دور و نزدیک چون موصل، صیدا، طرابلس و کربلا برای پرسش در موضوعات گوناگون علمی به وی رجوع می‌کردند (نک: نجاشی، همانجا؛ ابن طاووس، ۱۰۰، ۱۴۰؛ ذهبی، همانجا). جانشینی ابویعلی در مقام شیخ مفید، نباید به معنای ریاست مطلق امامیه در آن عصر تلقی گردد، چون بدون شک سید مرتضی (د ۴۳۶ ق) پس از مفید به این جایگاه دست یافته بود.

از میان شاگردان و روایت‌کنندگان ابویعلی جعفری، کسانی چون ابوالحسن سلیمان بن حسن صهرشتی، ابوطالب بن مهدی سیلقلی، ابو عبدالله محمد بن هبة الله بن جعفر طرابلسی، ابوالحسن بن هلال عمانی (احتمالاً تصحیفی است از ابوالحسن بن هلال صابی، د ۴۸۰ ق)، مؤلف الهفوات النادرة) و ابومنصور بن احمد (احتمالاً محمد بن احمد، ابومنصور خازن، د ۵۱۰ ق، از علمای امامیه، نک: ابن حجر، ۳۸/۵) را

است که معتقد بودند حقیقت انسان چیزی و رای هیأت ظاهری اوست و البته امری غیرمادی است که از آن به «جوهر بسیط»، «نفس» و «روح» تعبیر شده است (برای تفصیل در این باره، نک: مکدموت، ۲۲۸-۲۲۲)؛ ۱۴. جواب المسائل الواردة من الحائر علی صاحبہ السلام؛ ۱۵. اجوبه مسائل شتی فی فنون من العلم.

این شهرآشوب (ص ۱۰۱) کتابهای النکت فی الامامة، اخبار المختار و نزہة الناظر و تنبیه الخاطر را نیز از او یاد کرده که هیچ یک در فهرست نجاشی دیده نمی‌شود. کتابی با عنوان اخیر از حسین بن محمد بن حسن حلوانی در دست است که در آن به گردآوری سخنان پیامبر (ص) و ائمة امامیه (ع)، هر یک در باب جداگانه و با حذف سند احادیث (جز در یک مورد) پرداخته است. از آنجا که در نزہة الناظر موجود، در دو مورد نکاتی از ابویعلی درج شده (نک: حلوانی، ۹۸، ۱۲۱-۱۲۲)، شاید این تصور برای این شهرآشوب به وجود آمده باشد که کتاب مذکور تألیف ابویعلی جعفری است، گرچه او خود در جایی دیگر (ص ۴۲) آن را به حلوانی منسوب کرده است. گفتنی است که نوری در مستدرک (۳/۳۲۷-۳۲۸) در ذیل نام نزہة الناظر، بدون هیچ اشاره‌ای به حلوانی، کتاب را تألیف ابویعلی دانسته است. رساله‌ای نیز با عنوان مسائل متفرقة در کتابخانه مجلس (شورا، ۳۵۲/۷) موجود است که از روی حدس به ابویعلی نسبت داده شده است، اما در مقایسه، آشکار می‌گردد که این کتاب چیزی جز المسائل السروية شیخ مفید نیست. از کلام عبدالکریم ابن طاووس (ص ۱۰۰، ۱۴۰) برمی‌آید که برخی از آثار ابویعلی در اختیار وی بوده و از آنها در کتابش بهره گرفته است و حتی برخی روایات را از دست خط ابویعلی نقل کرده است (همانجاها). بغدادی نیز در هدیه (۷۳/۲) ظاهراً با خلط میان ابویعلی و شیخ طوسی، آثاری چون تفسیر القرآن و امالی فی الحدیث را به ابویعلی نسبت داده است. همو شاید به همین سبب، علاوه بر اینکه نام جد ابویعلی را به غلط علی ضبط کرده، او را به تبع سبکی (۱۲۶/۶)، بر مذهب شافعی دانسته است.

مأخذ: آقابزرگ، الذریعة؛ ابن اثیر، الکامل؛ ابن حجر عسقلانی، احمد، لسان المیزان، حیدرآباد دکن، ۱۳۲۹-۱۳۳۱ ق؛ ابن شهرآشوب، محمد، معالم العلماء، به کوشش محمد صادق آل بحر العلوم، نجف، ۱۳۸۰ ق/ ۱۹۶۱م؛ ابن طاووس، عبدالکریم، فرحة القرى، نجف، ۱۳۶۸ ق/ ۱۹۴۹م؛ ابن کثیر، البداية؛ ابوالبقاء حلی، هبة الله، المناقب البزیدية، به کوشش صالح موسی درداکه و محمد عبدالقادر خریسات، اردن، مکتبة الرسالة الحذیثة؛ ابوطالب مروزی، اسماعیل، الفخری، به کوشش مهدی رجائی، قم، ۱۴۰۹ ق؛ اقتدی اصفهانی، عبدالله، ریاض العلماء، به کوشش احمد حسینی، قم، ۱۴۰۱ ق؛ بغدادی، هدیه؛ حلوانی، حسین، نزہة الناظر، قم، ۱۴۰۸ ق؛ ذہبی، محمد، سیر اعلام النبلاء، به کوشش شعب ارنؤوط و محمد نعیم عرقسوسی، بیروت، ۱۴۰۵ ق؛ سیکی، عبدالوهاب، طبقات الشافعية الكبرى، به کوشش عبدالفتاح محمد حلو و محمود محمد طناحی، قاهره، ۱۳۸۰ ق/ ۱۹۶۰م؛ شورا، خطی؛ مجلسی، محمداقبر، بحارالانوار، بیروت، ۱۴۰۳ ق/ ۱۹۸۳م؛ مفید، محمد، اوائل المقالات، به کوشش واعظ چرندابی، تبریز، ۱۳۷۱ ق/ ۱۹۵۲م؛ نجاشی، احمد، الرجال، به کوشش موسی شیرازی زنجانی، قم، ۱۴۰۷ ق؛ نوری، حسین، مستدرک الوسائل، تهران، ۱۳۳۱ ق؛ نیز:

McDermott, M.J., *The Theology of Al-Shaikh Al-Mufid*, Beirut, 1986.

حسن انصاری

نام برده‌اند (ابوالبقاء، همانجا؛ ابن حجر، ۱۳۵/۵؛ مجلسی، ۱۵/۱، ۱۸۰/۲، ۱۵۵/۱۰۴). در مورد شاگردی حسین بن محمد بن حسن بن نصر حلوانی نزد ابویعلی، هر چند در منابع کهن تصریحی دیده نمی‌شود، اما در متن نزہة الناظر حلوانی در دو جا، نکاتی از ابویعلی ذکر شده است (نک: سطور بعد) که می‌تواند مؤید این امر باشد، به ویژه که حلوانی (ه م) از مشایخی دیگر در طبقه ابویعلی روایت داشته است (نیز نک: آقا بزرگ، ۱۲۷/۲۴، که به شاگردی حلوانی نزد ابویعلی اشاره کرده است).

به گفته ذہبی (۱۴۱/۱۸-۱۴۲) ابویعلی به «حدوث قرآن» قائل بوده و برای اثبات آن به وجود آیات «ناسخ» و «منسوخ» تمسک می‌جسته است. ذہبی می‌افزاید که اگر مراد ابویعلی از حدوث قرآن، مخلوق بودن آن بوده باشد، وی «معتزلی جهمی» است و اگر مرادش نزول قرآن بر امت از جانب خداوند به زبان پیامبر (ص)، با اعتراف به غیرمخلوق بودن آن، بوده باشد، خرده‌ای بر اعتقاد او نیست. به هر تقدیر، اعتقاد ابویعلی در مورد حدوث قرآن نباید چیزی فراتر از این عقیده رایج در میان عالمان امامیه باشد که در عین «محدث» دانستن قرآن، از مخلوق خواندن آن اجتناب می‌کردند (نک: مفید، ۵۷-۵۸). تاریخ درگذشت ابویعلی در متن رجال نجاشی (همانجا)، همچون دیگر مأخذ (ابن اثیر، همانجا؛ ابن طاووس، ۱۰۰؛ ابن حجر، همانجا)، ۴۶۳ ق ضبط شده است، اما با توجه به وفات نجاشی در ۴۵۰ ق، این تاریخ می‌بایست بعدها به متن رجال افزوده شده باشد. ابن ابی‌طی از ابویعلی مدح بسیار کرده و او را از «عباد» امامیه شمرده و گفته است که در تشیع پیکر او، گروه بسیاری شرکت جستند (نک: ذہبی، همانجا). بنا بر گفته نجاشی (همانجا) ابویعلی را در خانه خودش به خاک سپردند.

به گفته ابن کثیر یکی از فرزندان او به نام ابوعلی امین از فقهای امامیه بوده است (۱۰۴/۱۲).

آثار: تألیفات ابویعلی بیشتر به صورت مسأله یا پاسخ به مسائلی است که از وی پرسش می‌شده است. نجاشی (همانجا) فهرستی از برخی آثار وی به دست داده است، بدین قرار: ۱. جواب المسألة الواردة من صیدا؛ ۲. جواب مسألة اهل الموصل؛ ۳. المسألة فی مولد صاحب الزمان (ع)؛ ۴. المسألة فی الرد علی الغلاة؛ ۵. المسألة فی اوقات الصلاة؛ ۶. کتاب التکملة؛ ۷. الموجز فی التوحید. این دو کتاب دست کم در هنگام گزارش نجاشی به اتمام نرسیده بوده است؛ ۸. مسألة فی ایمان آباء النبی (ص)؛ ۹. مسألة فی المسح علی الرجلین؛ ۱۰. مسألة فی العقیقة؛ ۱۱ و ۱۲. جواب المسائل الواردة من طرابلس و نیز رسالة دیگری در همین باب؛ ۱۳. المسألة فی ان الفقهاء غیرهذه الجملة، که در بحث از یک مسألة کهن کلامی بوده و از اینجا سرچشمه می‌گرفته که اساس حقیقت انسان چیست و مخاطب الهی در تکالیف شرعی کیست؟ نظر ابویعلی در این زمینه، چنانکه از عنوان کتاب برمی‌آید، همان نظر شیخ مفید و بنی نوبخت از شیعه و معتز از معتزله